

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 6, Summer 2022, 99-118
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.34219.2088

A Critical Review on the Book
Lexical Pragmatics and Theory of Mind:
The Acquisition of Connectives

Ramin Golshaie *

Abstract

This article presents a critical review of the Farsi translation of the book *Lexical Pragmatics and Theory of Mind: The Acquisition of Connectives* authored by Sandrine Zufferey. Theory of Mind is one of the most important research areas within the domain of cognitive psychology that studies humans' abilities in understanding mental states of themselves and others. The book takes a multidisciplinary approach to explore different aspects of pragmatics and Theory of Mind interface. In the present article, the translated book was evaluated in terms of structure, form, and content. Merits of the book include: having a fluent and readable translation, acceptable precision of translation, footnoting technical terms and proper names, having bilingual glossaries, and acceptable editing. On the other hand, inconsistent use of equivalents, inconsistent print quality and poor bookbinding, and the existence of typographical and grammatical errors are among the shortcomings of the book. Overall, by introducing a novel area and offering a fluent translation, the book is evaluated positively. It can be an invaluable resource for Persian speaking researchers for doing interdisciplinary research at the interface of language and Theory of Mind.

Keywords: Lexical Pragmatics, Theory of Mind, Empirical Linguistics, Language Acquisition.

* Department of Linguistics, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran,
golshaie@alzahra.ac.ir

Date received: 05-05-2022, Date of acceptance: 31-07-2022



بررسی انتقادی کتاب کاربردشناسی واژگانی و نظریه ذهن: فراگیری پیوندها

رامین گلشائی*

چکیده

این مقاله ترجمه کتاب کاربردشناسی واژگانی و نظریه ذهن: فراگیری پیوندها، نوشته سندرین زوفری و ترجمه محمدحسن ترابی، شهره صادقی و الهه کمبری را بررسی و نقد می‌کند. نظریه ذهن یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعاتی در روان‌شناسی شناختی است که توانایی افراد در درک حالات ذهنی خود و دیگران را بررسی می‌کند. این کتاب با رویکردی میان‌رشته‌ای سعی می‌کند جوانب گوناگون رابطه نظریه ذهن و کاربردشناسی زبان را بکاود. در این مقاله، کتاب از منظر ساختاری و شکلی و نیز محتوایی بررسی شده است. از نقاط قوت کتاب، می‌توان به ترجمه بسیار روان و خوش‌خوان، دقت قابل قبول ترجمه، پانویسی اصطلاحات تخصصی و اسامی خاص، واژه‌نامه دوزبانه، رعایت اصول ویرایشی اشاره کرد. از کاستی‌های کتاب نیز می‌توان یک‌دست نبودن برخی معادل‌های به‌کاررفته در کتاب، ضعف و کم‌دقتی در صحافی، و برخی خطاهای املائی و دستوری را برشمرد. در مجموع، کلیت کتاب به دلیل پرداختن به موضوعی بدیع و برخوردار از ترجمه‌ای خوب و روان مثبت ارزیابی می‌شود و می‌تواند منبع ارزش‌مندی برای پژوهش‌گران فارسی‌زبان به‌منظور تحقیقات میان‌رشته‌ای در حوزه‌های زبان و نظریه ذهن باشد.

کلیدواژه‌ها: کاربردشناسی واژگانی، نظریه ذهن، زبان‌شناسی تجربی، فراگیری زبان.

* استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، golshaie@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۹



۱. مقدمه

کودکی را تصور کنید که نصف کلوچه‌ای را می‌خورد و نصف دیگرش را در کابینت آشپزخانه قرار می‌دهد و برای بازی کردن به بیرون از خانه می‌رود. مادرش کلوچه را در کابینت می‌بیند و آن را در یخچال قرار می‌دهد. حال، کودک پس از بازگشت به آشپزخانه کلوچه را در کجا جست‌وجو خواهد کرد؟ در کابینت یا یخچال؟ برای بیش‌تر ما، پاسخ این پرسش واضح است: کودک در کابینت به دنبال کلوچه خواهد گشت، زیرا نمی‌داند مادرش جای کلوچه را عوض کرده است. اگر فردی این پاسخ را به پرسش بدهد، نظریه ذهن (theory of mind) دارد. نظریه ذهن یکی از توانایی‌های شناختی - اجتماعی انسان در بازنمایی حالات ذهنی خود و دیگران نظیر افکار، احساسات، و عواطف است (Byom and Mutlu 2013). به لحاظ رشدی، گفته می‌شود کودکان تا پیش از پنج‌سالگی به قابلیت‌های کامل نظریه ذهن دست نمی‌یابند (Frith and Frith 2005). هم‌چنین، کودکان مبتلا به طیف اوتیسم در توانایی‌های مرتبط با نظریه ذهن مشکل دارند (Kimbi 2014). باین‌که نظریه ذهن در روان‌شناسی موضوع تحقیقات فراوان بوده است، ارتباط آن با حوزه‌های دیگر، نظیر توانایی‌های زبان‌شناختی، تاحدی جدید است. پرسش‌هایی که درباره این موضوع، ذهن محققان را به‌خود مشغول کرده، عمدتاً درباره ماهیت تعامل توانایی‌های مبتنی بر نظریه ذهن و قابلیت‌های کلامی است؛ این‌که رشد قابلیت‌های نظریه ذهن چه پی‌آمدهایی برای توانایی‌های زبانی دارد و برعکس.

کتاب *نظریه ذهن و کاربردشناسی واژگانی* (زوفری ۱۳۹۸) رابطه بین نظریه ذهن و زبان را از منظری کاربردشناختی - روان‌شناختی می‌کاود. کاربردشناسی (pragmatics) حوزه‌ای از زبان‌شناسی است که به مطالعه معنی در بافت زبانی و گفتمان (discourse) می‌پردازد. کاربردشناسی واژگانی (lexical pragmatics) نیز حوزه‌ای تحقیقاتی است که می‌کوشد تا تبیینی نظام‌مند را از کاربردشناسی عناصر واژگانی به‌دست دهد (Blutner 1998).

در مطالعات زبان‌شناختی، رابط‌ها (connectives) دسته‌ای از مقولات دستوری‌اند که از منظر گفتمانی و کاربردشناختی در برقراری انسجام متنی نقش مهمی را ایفا می‌کنند (مثلاً، بنگرید به Halliday and Hasan 1976). هدف کتاب عمدتاً بررسی پیوندگاه (interface) زبان و نظریه ذهن و نیز نقش رابط‌های گفتمانی در این‌باره بیان شده است. روش تحقیق به‌کاررفته در کتاب، روش آزمایشگاهی و پیکره‌ای است که دستاورد مهمی در تلفیق روش‌های تجربی مختلف در مطالعه میان‌رشته‌ای زبان و ذهن محسوب می‌شود. در ادامه،

بررسی انتقادی کتاب کاربردشناسی واژگانی و نظریه ... (رامین گلشانی) ۱۰۳

ابتدا مختصری از پیشینه علمی و پژوهشی مؤلف ارائه خواهد شد. در بخش سوم، به بررسی ساختاری و مرور فصل‌های مختلف کتاب خواهیم پرداخت و آن را از منظر شکلی بررسی خواهیم کرد. سپس، در بخش چهارم، کتاب را به‌لحاظ محتوایی و ترجمه بررسی می‌کنیم. در نهایت، در بخش پنجم، مطالب را جمع‌بندی خواهیم کرد.

۲. درباره مؤلف

سندرین زوفری (Sandrine Zufferey) دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی از دانشگاه ژنو و استاد زبان‌شناسی گروه زبان و ادبیات فرانسه در دانشگاه برن سوئیس است. علایق پژوهشی او شامل بررسی پردازش شناختی انسان از منظر بینابانی و رابطه کاربردشناسی و نظریه ذهن در فراگیری زبان در کودکان عادی و مبتلا به اوتیسم است. برخی از کتاب‌های اخیر او، که به‌صورت انفرادی یا مشترک منتشر شده‌اند، عبارت‌اند از: کاربردشناسی واژگانی و نظریه ذهن (Zufferey 2010)، فراگیری کاربردشناسی زبان (Zufferey 2014)، تلویح‌ها (Zufferey et al. 2019)، درآمدی بر زبان‌شناسی پیکره‌ای (Zufferey 2020)، و درآمدی بر زبان‌شناسی آزمایشی (Gillioz and Zufferey 2020). کتاب کاربردشناسی واژگانی و نظریه ذهن مبتنی بر نسخه بازنگری‌شده رساله دکتری زوفری است که در سال ۲۰۰۷ در دانشگاه ژنو انجام شده است.

۳. بررسی ساختاری و شکلی کتاب

انتشارات جان بنجامینز (John Benjamins) کتاب اصلی را در سال ۲۰۱۰ منتشر و انتشارات نشر نویسه پرسی ترجمه آن به فارسی را در سال ۱۳۹۸ چاپ کرده است. گروهی از مترجمان شامل محمدحسن ترابی، شهره صادقی، و الهه کمری این کتاب را ترجمه کرده‌اند. کتاب، که از این پس برای اشاره به نسخه ترجمه به‌کار خواهد رفت، ۳۴۶ صفحه دارد و در قطع رقعی چاپ شده است. طرح روی جلد آن تصویر دست کودکی در دست مردی بزرگ‌سال است و در پس‌زمینه آن، چشم‌انداز تاری از گذرگاهی ظاهراً طبیعی و مملو از رنگ‌های سبز روشن و تیره دیده می‌شود. به‌نظر می‌رسد تصویر دست کودک در دست بزرگ‌سال استعاره از رابطه‌های گفتمانی و فرایند رشدی آن در کودکان بوده است. ازسوی دیگر، طرح روی جلد کتاب اصلی ساده و دربردارنده مستطیل آبی‌رنگی است که

داخل آن عنوان کتاب و نام نویسنده نوشته شده است و دور مستطیل آبی‌رنگ، کادر نسبتاً ضخیمی به‌رنگ سبزآبی تیره دیده می‌شود که دورتادور لبه جلد کتاب را پوشش می‌دهد. درمقام مقایسه، طرح جلد کتاب به‌لحاظ مفهومی پیچیده‌تر و به‌لحاظ دیداری جذاب‌تر از از طرح جلد کتاب اصلی است.

کتاب از نظر طرح روی جلد، صفحه‌آرایی، فاصله خطوط، و نوع قلم مطلوب ارزیابی می‌شود. تنها موردی که در صفحه‌آرایی جلب‌نظر کرد، توضیحاتی است که در پانوشت صفحه ۲۷۰ به فارسی ارائه شده است؛ ساختار پانوشت دوستونی است و توضیحات طولانی پانوشت از ستونی به ستون دیگر ادامه پیدا کرده است، اما جهت خواندن ستون‌ها با جهت نگارش فارسی (راست‌به‌چپ) هماهنگ نیست و چپ‌به‌راست است که خواننده را به اشتباه می‌اندازد. کتاب به‌لحاظ ویرایش و نگارش قابل قبول است، اما بی‌نقص نیست. برای نمونه، برخی خطاهای املائی مشاهده‌شده در کتاب در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. بعضی خطاهای املائی مشاهده‌شده در کتاب

صفحه	صورت صحیح	خطای املائی
۸۷ (پانوشت)	infinitival	Infinival
۱۷۲	پیوندهای	پیوندای
۱۷۹	زمان خواندن	زمان خواندنی
۱۸۵	فراپازنمایی	فراپازیایی
۲۳۳ (پانوشت)	Passing	Passin
صفحه عنوان انگلیسی	Mohammad	Mihammad

هم‌چنین، مواردی از مسائل دستوری مربوط به جمله‌بندی در متن دیده می‌شود که به‌نظر می‌رسد عمدتاً تحت‌تأثیر ساختار زبان مبدأ بوده‌اند. برای نمونه، می‌توان به جملات زیر اشاره کرد:

۱. «... کلوئر و پیجین (۲۰۰۳) به‌همین دلیل انگاره‌های استتاجی را انتقاد کرده‌اند» (زوفری ۱۳۹۸: ۴۷)؛

ترجمه صحیح: ... کلوئر و پیجین (۲۰۰۳) به‌همین دلیل از انگاره‌های استتاجی انتقاد کرده‌اند.

۲. «باوجوداین، تبیین فودوری، حتی در درون علوم شناختی، به شدت انتقاد شده است» (همان: ۵۳)؛

ترجمه صحیح: باوجوداین، تبیین فودوری حتی درون علوم شناختی به شدت مورد انتقاد واقع شده است.

نیم فاصله‌ها و استفاده از علائم سجاوندی با دقت قابل قبولی در سراسر کتاب رعایت شده‌اند. باین حال، مواردی از رعایت نکردن نیم فاصله یافت می‌شود. مثلاً، «اطمینان بخشی» (همان: ۸۲) که باید به صورت «اطمینان بخشی» و «آسیب دیده» (همان: ۱۰۹) که باید به صورت «آسیب دیده» نوشته شوند.

کیفیت صحافی و چاپ کتاب از همه موارد دیگر ضعیف‌تر ارزیابی می‌شود. برای نمونه، در نسخه ارزیابی شده کتاب، کیفیت چاپ تا صفحه ۱۴۷ مطلوب است، اما از این صفحه تا انتهای کتاب از کیفیت جوهر کاسته شده است. هم‌چنین، کیفیت صحافی نامطلوب و کم دقت است. در نسخه‌ای از کتاب که برای ارزیابی به نگارنده ارسال شد، صفحات ۴۹، ۵۰، ۵۵، ۵۶، ۱۰۵، و ۱۰۶ موجود نبودند. هم‌چنین، حاشیه بالایی کتاب در صفحات سمت راست و چپ کتاب متغیر است، به گونه‌ای که تا صفحه ۱۷۳ صفحات سمت چپ با حاشیه کم (حدود ۱/۵ سانتی متر) و از صفحه ۱۷۳ به بعد، صفحات سمت راست با حاشیه کم از بالا صفحه بندی شده‌اند که به لحاظ دیداری ظاهری نامتعادل و معیوب به کتاب می‌دهد.

مطالب کتاب در هفت فصل سازمان دهی شده‌اند. به غیر از فصول اصلی، کتاب پیش‌گفتار مترجمان، پیش‌گفتار مؤلف، کتاب‌نامه، واژه‌نامه، و نمایه دارد. پیش از فهرست مطالب، خلاصه‌ای از سوابق آموزشی، پژوهشی، و تحصیلی مؤلف کتاب آمده که ایده جالبی است و سبب می‌شود خواننده با سابقه علمی مؤلف بیشتر آشنا شود. در بخش پیش‌گفتار مترجمان، آن‌ها از آشنایی خود با مفهوم نظریه ذهن و انگیزه خود برای ترجمه این کتاب، به دلیل پرداختن به رابطه نظریه ذهن و کاربردشناسی زبان، سخن گفته‌اند. در ادامه پیش‌گفتار، رشته‌هایی معرفی شده‌اند که می‌توانند از مطالب کتاب بهره ببرند. در بخش دیگر پیش‌گفتار، منابع استفاده شده در ترجمه این کتاب معرفی شده‌اند و در نهایت، توضیحاتی درباره یک دست‌سازی ترجمه نهایی، که حاصل ترجمه گروهی بوده، ارائه شده است. پس از پیش‌گفتار مترجمان پیش‌گفتار کتاب آمده است که در آن، مؤلف مفهوم نظریه ذهن و ارتباط آن با فراگیری رابط‌های گفتمانی را تشریح می‌کند. هم‌چنین، مؤلف درباره

محتوای کتاب و موضوع فصل‌های مختلف توضیحاتی را ارائه می‌دهد. پس از فصل‌های اصلی کتاب، واژه‌نامه‌های فارسی-انگلیسی و انگلیسی-فارسی قرار دارند که معادل اصطلاحات به‌کاررفته در کتاب را از فارسی به انگلیسی و برعکس فهرست کرده‌اند. درنهایت، به بخش نمایه می‌رسیم که نام برخی اشخاص و بعضی مفاهیم کلیدی کتاب در آن آمده است.

یکی از نکات مثبت کتاب این است که مترجمان معادل تمام اصطلاحات و اسامی خاص را در پانوشته ارائه کرده‌اند. این کار موجب شده است که طی خواندن کتاب، معادل‌های انگلیسی واژه‌ها به‌سرعت در دست‌رس خواننده قرار گیرند و فرایند خواندن کتاب تجربه‌ای دل‌نشین و خالی از ابهام باشد. البته در پانوشته‌های کتاب اصلی، مؤلف برخی مفاهیم را توضیح داده و اطلاعات بیش‌تری را افزوده است. از آن‌جاکه پانوشته در نسخه ترجمه‌شده، به ارائه معادل انگلیسی اصطلاحات و اسامی خاص اختصاص یافته، توضیحات مؤلف با عنوان «یادداشت‌ها» در انتهای هر فصل ارائه شده است.

در جمع‌بندی، می‌توان گفت که سازمان‌دهی بخش‌های مختلف کتاب، صفحه‌آرایی، و املائی واژه‌های فارسی و انگلیسی بادقت و بدون اشکال اساسی صورت گرفته و کتاب تمام بخش‌های لازم (به‌ویژه واژه‌نامه دوزبانه تخصصی که مترجمان اضافه کرده‌اند) را دارد. در بخش بعد، ابتدا هریک از فصل‌های کتاب را به‌صورت مختصر مرور و سپس ترجمه آن فصل را ارزیابی خواهیم کرد.

۴. بررسی محتوایی کتاب

بررسی فصل‌های مختلف کتاب نشان می‌دهد کیفیت ترجمه بسیار روان، خوش‌خوان، و اغلب دقیق است. با توجه به تخصص مترجمان در حوزه زبان‌شناسی، معادل‌یابی‌ها دقیق و تخصصی است. تجربه خواندن متن تجربه‌ای مشابه خواندن کتابی تألیفی است و روانی و خوش‌خوانی متن ممکن است موجب شود خواننده فراموش کند که در حال خواندن متنی ترجمه‌شده است. بنابراین، کتاب به‌لحاظ کیفیت کلی ترجمه روانی متن و کیفیت معادل‌یابی‌ها امتیاز بالایی را می‌گیرد. باین‌حال، مواردی پرسش‌برانگیز در کتاب مشاهده شد که در ادامه آن‌ها را طرح و بررسی خواهیم کرد.

اولین واژه کلیدی که در این کتاب جلب‌توجه می‌کند و در عنوان هم به‌کار رفته، واژه «پیوند» است که معادل connective قرار گرفته است. واژه connective در فرهنگ وبستر

(Merriam-Webster n.d.) هم در نقش صفت و هم اسم به کار رفته است. در تعریف اسمی آن، که معنی مدنظر در این کتاب است، به آن صورت‌های زبانی اطلاق می‌شود که کلمات یا گروه‌هایی از کلمات را به هم متصل می‌کنند. در واقع، واژه connective در این‌جا معنای فاعلی دارد و به کلماتی گفته می‌شود که نقش پیونددهنده یا رابط را ایفا می‌کنند. این درحالی است که واژه «پیوند» در فارسی معنای فاعلی ندارد. براساس فرهنگ سخن (۱۳۸۱): ذیل مدخل «پیوند»، «پیوند» به معنی پیوستگی و اتصال است و اسم مصدر محسوب می‌شود. برای معادل connective که معنای فاعلی نیز داشته باشد، می‌شد از کلمه‌ای نظیر «رابط» و در صورت تأکید بر استفاده از ریشه «پیوند» از «پیوندگر» استفاده کرد که مورد اخیر در زبان فارسی به معنای پیونددهنده سابقه کاربرد دارد. معادل «رابط» برای connective به دلیل داشتن معنای فاعلی معادل دقیقی است، اما در این کتاب به منزله معادل برای واژه interface به کار رفته است (زوفری ۱۳۹۸: ۶). مؤلف در پیش‌گفتار توضیح داده که یکی از اهداف او از نگارش کتاب بررسی پیوندگاه یا تعاملگاه (interface) زبان و نظریه ذهن است. واژه interface در حوزه رایانه به معنای محیط میانجی (نظیر ویندوز) است که به سخت‌افزار رایانه امکان می‌دهد با کاربر ارتباط برقرار کند، اما در این کتاب، interface به معنای ابزار یا در معنای فاعلی به کار رفته است، بلکه به نقطه تعامل یا پیوندگاه دو پدیده زبان و نظریه ذهن اشاره می‌کند. بنابراین، واژه‌هایی نظیر «تعاملگاه» یا «پیوندگاه» می‌توانند برای interface معادل بهتری باشند که در این صورت، واژه «رابط» معادل connective خواهد بود.

فصل اول کتاب نظریه ذهن و معروف‌ترین روش سنجش توانایی نظریه ذهن، یعنی تکلیف عقیده کاذب و نقاط ضعف آن، را معرفی می‌کند. هم‌چنین، توانایی‌های نظریه ذهن به مثابه یک حوزه (module) معرفی می‌شود. مؤلف در این فصل مدل ارتباطی گرایس برای تبیین یافته‌های جدید در باب نظریه ذهن را ناکارآمد قلمداد می‌کند و معتقد است نظریه ربط (relevance theory) مدل بهتری برای تبیین نقش نظریه ذهن در ارتباطات کلامی است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، چهار صفحه از فصل اول کتاب مفقود بودند. بنابراین، دسترسی به مطالب این بخش از کتاب امکان‌پذیر نبود. فصل اول به خوبی ترجمه شده است، فقط دو مورد درباره معادل‌یابی‌ها مشاهده شد. یکی عبارت dedicated brain circuitry است که به «مدار اختصاصی مغز» (همان: ۳۱) ترجمه شده است. واژه circuitry به معنای مجموعه مدارها یا سیستم مدارها (مداربندی) است و ترجمه آن به صورت مفرد «مدار» دقیق نیست. هم‌چنین، واژه fMRI که سرنام functional Magnetic Resonance Imaging

است، به همان صورت «فانکشنال ام آر آی» (همان: ۴۱) ترجمه شده است. این واژه در فارسی به صورت «تصویربرداری تشدید مغناطیسی عملکردی» معادل‌سازی شده است. از آن‌جا که ام.آر.آی. به دلیل کاربرد متداولش در پزشکی شناخته شده است، حتی می‌شد به جای «فانکشنال ام.آر.آی» از عبارت «ام.آر.آی. عملکردی» استفاده کرد.

در فصل دوم، استدلال‌های مختلفی در حمایت از رابطه دوسویه قابلیت‌های نظریه ذهن و زبان مطرح شده است. از سویی، برخی مطالعات نقش زبان در فراگیری قابلیت‌های نظریه ذهن را تأیید می‌کنند و از سوی دیگر، شواهدی در دست است که نشان می‌دهند قابلیت‌های نظریه ذهن برای فراگیری برخی جنبه‌های زبان، به‌ویژه در سطوح واژگانی و کاربردشناختی، ضروری هستند. یکی از نتایج مهمی که در این فصل به آن اشاره شده این است که تأثیر متقابل زبان و نظریه ذهن در تمام مراحل رشد یک‌سان نیست. به این معنی که در مرحله اول، قابلیت‌های ابتدایی نظریه ذهن در کودکان برای فراگیری زبان ضروری‌اند و در مرحله بعد، فراگیری مفاهیم ذهنی‌سازی پیچیده و ساختارهای نحوی بستر مهمی را برای رشد توانایی‌های ذهن خوانی پیچیده فراهم می‌کنند.

در بررسی معادل‌های استفاده شده در فصل دوم، مواردی وجود دارد که به بعضی از آن‌ها می‌پردازیم. مؤلف حافظه، توجه، و رشد دستگاه تولید گفتار را عوامل پیش‌بینی‌کننده سن فراگیری توانایی‌های مختلف زبانی بیان کرده است (همان: ۶۴). در این قسمت، برای عبارت articulatory system از معادل «دستگاه گفتاری» (همان) استفاده شده است که دقیق‌تر آن است به «دستگاه تولید گفتار» ترجمه شود. در واقع، آنچه در articulatory برجسته است، «تولید» است و در زبان‌شناسی نیز مثلاً عبارتی نظیر articulatory phonetics به «آو شناسی تولیدی» ترجمه می‌شود. البته، برای واژه articulate از معادل «تولید» (همان: ۷۴) استفاده شده که بهتر است معادل قبلی نیز با آن یک‌دست شود. هم‌چنین، واژه perceptual به «حسی» (همان: ۷۷) ترجمه شده که معادل مناسب برای آن «ادراکی» است. در ادبیات روان‌شناسی و عصب‌شناسی، واژه «حسی» معادل sensory در نظر گرفته می‌شود. یکی از مفاهیمی که در فصل دوم درباره آن بحث شده مفهوم mentalization یا ذهنی‌سازی است. هنگام ذهنی‌سازی، افراد درگیر نوعی فعالیت ذهنی تصویری می‌شوند که موجب می‌شود رفتار دیگران را در قالب حالات ذهنی (نظیر نیازها، خواسته‌ها، احساسات، عقاید، اهداف، و دلایل) ادراک و تفسیر کنند (Fonagy and Allison 2010). به این ترتیب، فرد ذهنی‌ساز می‌تواند احساسات یا افکار دیگران را تصور کند. این مفهوم اولین بار در

صفحه ۷۲ مشاهده می‌شود و مؤلف تعریف مستقیمی از آن ارائه نداده است. در ترجمه نیز این مفهوم با معادل «هم‌ذهنی» ظاهر می‌شود. هرچند در کتاب اصلی، تعریفی برای آن ارائه نشده است، بهتر بود برای کمک به درک بهتر خواننده، مترجمان تعریفی از این مفهوم را به صورت یادداشت انتهای فصل ارائه می‌دادند. نکته دیگر این‌که براساس جست‌وجوی نگارنده، معادل «ذهنی‌سازی» برای مفهوم mentalization کاربرد بیش‌تری دارد و واژه «ذهنی‌سازی» با شیوه اشتقاق mentalization سازگارتر است. به‌علاوه، پیش‌فرض معادل «هم‌ذهنی»، که در کتاب به کار رفته، این است که شخصی با شخص دیگری هم‌ذهنی کند، در صورتی‌که mentalization برای ذهنی‌سازی رفتار خود افراد نیز به کار می‌رود. بنابراین، معادل «ذهنی‌سازی» مناسب‌تر و دقیق‌تر به نظر می‌رسد.

در معادل‌های به‌کاررفته در فصل دوم، نمونه‌های دیگری نیز مشاهده شد که قابل تأمل‌اند. مثلاً عبارت illocutionary force به «توان منظوری» (زوفری ۱۳۹۸: ۸۲) ترجمه شده که معادل دقیق‌تر برای force واژه «نیرو» است. واژه «نیرو» در مباحث زبان‌شناسی شناختی، از جمله طرحواره‌های تصویری، نیز متداول و جاافتاده است. مورد دیگر، عبارت language exposure است که به «تماس زبانی» (همان: ۸۴) ترجمه شده است. عبارت کامل در کتاب به این صورت است: «پیترسون و سیگال هم‌چنین به تفاوت مهمی در نتایج به‌دست‌آمده در تکالیف عقیده‌کاذب بین گروه‌های مختلف کودکان ناشنوا، براساس میزان تماس زبانی آن‌ها در سال‌های قبل از دبستان اشاره می‌کنند» (همان).

در جمله سوم، عبارت language exposure را می‌شد به صورت «... براساس میزان مواجهه آن‌ها با زبان در سال‌های ...» ترجمه کرد که دقیق‌تر است. عبارت «تماس زبانی» اصطلاح محفوظی برای language contact در زبان‌شناسی است و ممکن است خواننده را به اشتباه بیندازد. مورد دیگری که در این فصل به چشم می‌خورد، ترجمه hypothesis به «نظریه» (همان: ۸۹) است. معادل صحیح برای hypothesis واژه «فرضیه» است و «نظریه» برای theory به کار می‌رود. تمایز مهم فرضیه و نظریه در وضعیت راستی‌آزمایی‌شان است؛ فرضیه گمان علمی و هوشمندانه‌ای است که درستی آن تأیید نشده است، اما نظریه تبیینی است که براساس نتایج آزموده‌شده ارائه می‌شود و جایگاه مستحکم‌تری دارد.

فصل سوم کتاب رابطه بین نظریه ذهن و زبان را از منظر اختلال طیف اوتیسم بررسی می‌کند. اوتیسم اختلالی رشدی است که در پسران شایع‌تر است و نشانه‌های آن پیش از سه‌سالگی بروز می‌کند. افراد مبتلا به اوتیسم در تعاملات اجتماعی اختلال دارند، در رشد

زبان دچار آسیب یا تأخیر می‌شوند، و رفتارها و فعالیت‌های محدود و تکراری از خود نشان می‌دهند. کاستی‌های زبانی که در افراد مبتلا به اوتیسم مشاهده می‌شود، عمدتاً از نوع کاربردشناختی است و بنابراین، با قابلیت‌های نظریه‌ی ذهن مرتبط است. مؤلف در این فصل، استدلال می‌کند که وجود نقص در قابلیت‌های نظریه‌ی ذهن نمی‌تواند همه‌ی اختلالات ارتباطی مشاهده‌شده در اوتیسم را توضیح دهد، اما به نظر می‌رسد بیش‌تر افراد مبتلا به اوتیسم در حوزه‌ی نظریه‌ی ذهن نقص عمیق و کلی دارند. به همین دلیل، این افراد برای مطالعه‌ی رابطه‌ی بین زبان و نظریه‌ی ذهن مناسب‌ترند.

ترجمه‌ی روان در فصل سوم نیز تداوم دارد و به‌غیراز مواردی که در این‌جا اشاره خواهد شد، اشکال خاصی مشاهده نشد. در بخش مربوط به فراگیری ابعاد صوری زبان (همان: ۱۰۴)، سطح قابلیت‌های واج‌شناختی کودکان مبتلا به اوتیسم مشابه کودکان طبیعی ارزیابی شده است. در کتاب اصلی، از عبارت functional language faculty برای اشاره به قوه‌ی نطق سالم استفاده شده که در کتاب به «قوه‌ی نطق کارکردی» ترجمه شده است. در بافت فعلی معادل «کارکردی» برای functional مناسب نیست، بلکه معنای «سالم» (یکی از معانی واژه‌ی functional) با بافت فعلی آن هم‌خوانی دارد. در فرهنگ ویستر نیز واژه‌ی working (سالم) مترادف و broken (خراب) متضاد آن معرفی شده‌اند. مورد دیگر جانداختگی و خطای ترجمه است. در متن آمده است: «درمجموع، به‌نظر می‌رسد که نقایص افراد اتیستیک در حوزه‌های کاربردشناسی به هنجارهای اجتماعی مؤید این واقعیت هستند که...» (همان: ۱۰۹). با توجه به متن کتاب اصلی، ترجمه‌ی این بخش به این صورت صحیح‌تر است: «... حوزه‌های توانایی‌های کاربردشناختی مرتبط با هنجارهای اجتماعی...». هم‌چنین، عبارت propositional attitude به «گرایش گزاره‌ای» (همان) ترجمه شده است که به‌نظر دقیق نمی‌آید. واژه‌ی attitude به معنای نگرش یا نوع ویژه‌ای از زاویه‌ی دید به یک موضوع است که ترکیب آن با propositional attitude در propositional attitude به نوع نگرش افراد به یک گزاره اشاره دارد؛ این‌که به آن گزاره چه عقیده یا احساسی دارند. بنابراین، «نگرش گزاره‌ای» معادل مناسب‌تری خواهد بود. واژه‌ی attitude در عبارت‌های disorganized attitudes و dissociative attitude به «احساسات/احساس» (همان: ۱۲۰، ۱۲۱) ترجمه شده که معادلی محفوظ برای feelings در روان‌شناسی است و هم‌چنین، به «نگرش» (همان: ۱۳۲) ترجمه شده است. به‌نظر می‌رسد وحدت رویه درباره‌ی این واژه در فصل‌های مختلف کتاب رعایت نشده است. مورد دیگر از رعایت‌نکردن وحدت رویه در این فصل مربوط به واژه‌ی receptive

است که به درستی به «دریافتی» (همان: ۱۱۴) ترجمه شده است، در حالی که پیش‌تر، واژه *perceptive* هم به «دریافتی» (همان: ۷۰) ترجمه شده است. برای *perceptive* می‌شد معادل «ادراکی» را برگزید که معادل مصوب فرهنگستان برای واژه‌های *perceptive* و *perceptual* است (فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان ۱۳۸۶).

فصل چهارم کتاب به عناصر واژگانی و ساختارهای نحوی نگاه دقیق‌تری می‌افکند تا توانایی‌های در حال رشد نظریه ذهن را از منظر این عناصر بررسی کند. نتایج نشان می‌دهند کودکان در حدود سه‌سالگی تولید واژه‌های مرتبط با نظریه ذهن را شروع می‌کنند، هر چند ممکن است درک واقعی این واژه‌ها تا سال‌ها بعد اتفاق نیفتد. در حوزه نحو، نشان داده می‌شود که قابلیت‌های نظریه ذهن ارتباط تنگاتنگی با قابلیت درونه‌سازی (*embed*) گزاره‌ها دارد، هر چند این به معنای وجود رابطه علی از جانب نحو (علت) به نظریه ذهن (معلول) تلقی نمی‌شود. مطالعاتی که در این فصل مرور شده‌اند، فرضیه تأثیر زبان در رشد قابلیت‌های نظریه ذهن را نفی می‌کنند. به این معنی که در سطح نحوی، استفاده از بندهای متممی تأثیری در فراگیری افعال حالت ذهنی ندارد و در سطح واژگانی نیز شیوه رمزگذاری اطلاعات گواه‌نما (*evidential*) در زبان‌های گوناگون بر سن فراگیری تفکر مبتنی بر گواه‌نمایی اثری ندارد.

در این فصل هم‌چنان شاهد تداوم ترجمه روان هستیم. با این حال، برخی خطاهای متأثر از ساختار زبان مبدأ و نیز خطاهای ویرایشی مشاهده می‌شوند. در ترجمه یکی از مثال‌ها که جمله‌ای انگلیسی است، ترجمه جمله پیشین نیز به اشتباه برای آن درج شده است (زوفری ۱۳۹۸: ۱۳۵، مثال ۱۳ و ۱۴). مورد دیگر واژه پایانی در یکی از صفحات و واژه آغازین در صفحه بعدی آن است که واژه «مقدمات» (همان: ۱۳۶، ۱۳۷) است. این واژه در هر دو صفحه عدد تک دارد و فقط در صفحه دوم است که پانویس برای معادل آن، یعنی *premises* قرار داده شده است. مورد بعدی این‌که در اولین خط یکی از صفحات می‌خوانیم: «هم‌چنین شایان ذکر است که کاربردهای ویژه خاصی از برخی ساختارهای نحوی نیز ارتباط زیادی با توانایی‌های نظریه ذهن دارند...» (همان: ۱۴۱). با توجه به متن اصلی کتاب، می‌توان فهمید یکی از دو واژه «ویژه» و «خاصی» اضافی‌اند. در مورد دیگری مشاهده می‌شود که ظاهراً ترجمه آن قسمت تحت تأثیر ساختار زبان مبدأ بوده است. کتاب اصلی می‌خوانیم:

De Villiers (2004) has however criticized this conclusion on the grounds that “[this study] did not pit success on relative clauses against complements as predictors”.

ترجمه متن یادشده در کتاب به این صورت بوده است: «باوجوداین، دو ویلیبرز (۲۰۰۴) این نتیجه‌گیری را انتقاد کرده است، بر این اساس که “[این مطالعه] موفقیت در بندهای موصولی را در برابر متمم‌ها به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ها به‌چالش نمی‌کشد» (همان: ۱۵۷). بخش اول ترجمه مذکور را می‌توان با توجه به امکانات ساختار زبان فارسی به صورت طبیعی تری ترجمه کرد: «... دو ویلیبرز (۲۰۰۴) از این نتیجه‌گیری انتقاد کرده است. به این دلیل که [این مطالعه] موفقیت در بندهای موصولی را...» در گزیده مذکور، هم‌چنین ترجمه جمله‌ای که داخل علامت نقل قول واقع شده نیز پیچیده است. واژه pit در این جا به معنای درمقایسه/ رقابت/ تقابل قراردادن چیزی با چیز دیگری است. بنابراین، می‌توان این گونه بیان کرد که مطالعه مذکور «موفقیت در بندهای موصولی و متمم‌ها را به‌منزله شاخص‌های پیش‌بینی‌کننده با یک‌دیگر مقایسه نکرده است». در خطای ویرایشی دیگری می‌خوانیم: «در این فصل، مروری بر همه عناصر واژگانی... مرور کردم» (همان: ۱۵۹). در این جا یا باید گفته می‌شد «مروری بر همه عناصر... داشتم» یا این‌که «همه عناصر واژگانی... را مرور کردم».

معادل‌های انتخاب‌شده در این فصل نیز اغلب دقت خوبی دارند، اما مواردی از بدگزینی، خطاهای ترجمه‌ای، و رعایت نکردن وحدت رویه دیده می‌شوند. واژه perception به «مشاهده» (همان: ۱۳۱) و به «ادراک» (همان: ۱۳۲، ۱۳۳) ترجمه شده است. در مورد دیگری، ضمیر he به اشتباه به «ما» (همان: ۱۳۵، مثال ۱۳) ترجمه شده است. در جای دیگری، بحثی درباره واژه‌های مورد استفاده برای حالات ذهنی مطرح شده است (همان: ۱۳۷)؛ افعالی مثل «فکرکردن» یا «دانستن» که بیان‌گر حالات ذهنی افرادند. در این بخش، فعل dream به «تصورکردن» ترجمه شده است که «خواب‌دیدن» ترجمه دقیق‌تر و درست‌تری برای آن است. مورد دیگر ترجمه واژه subject است که به نظر می‌رسد اشتباه ترجمه شده است. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «شتس و همکاران (۱۹۸۳) در مطالعه خود در مورد افعال know, think, remember و dream، تنها افعالی را ارجاع‌دهنده به حالات ذهنی برمی‌شمردند که در بافت به تفکرات، خاطرات یا دانش یک موضوع قابل شناسایی اشاره می‌کردند» (همان: ۱۳۸).

عبارت «موضوع قابل شناسایی» ترجمه identifiable subject است که باید به «شخص قابل شناسایی» ترجمه می‌شد. از بافت جمله می‌توان دریافت که تفکرات، خاطرات، یا دانش باید به «شخص قابل شناسایی» متعلق باشند تا بتوان افعال آن‌ها را از نوع حالت ذهنی دانست.

مورد دیگری که درباره رعایت نکردن وحدت رویه در معادل‌گزینی می‌توان مشاهده کرد، عبارت syntactic structures است که به «ساخت‌های نحوی» (همان: ۱۳۹) ترجمه شده است. از طرف دیگر، برای واژه construction نیز از معادل «ساخت» (همان) استفاده شده است. دوباره در جای دیگری، برای syntactic structures معادل «ساختارهای نحوی» (همان: ۱۴۱) به کار رفته است. از آن‌جاکه در زبان‌شناسی، واژه‌های «ساختار» (structure) و «ساخت» (construction) معانی و کاربردهای متفاوتی دارند، خلط آن‌ها صحیح نیست. نمونه دیگر عبارت reverse asymmetry است که به «نبود تقارن معکوس» (همان: ۱۴۳) ترجمه شده است، در حالی که در جایی از کتاب، واژه asymmetry در پانویس درج شده و به «عدم تقارن» (همان: ۹۹) ترجمه شده است. بهتر بود یکی از این دو معادل انتخاب و در سراسر متن استفاده می‌شد.

در فصل چهارم، واژه «عواطف» (همان: ۱۴۸) مشاهده می‌شود که براساس کتاب اصلی، معادل emotions قرار گرفته است. همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، در حوزه روان‌شناسی emotions برای «احساسات» به کار می‌رود و «عواطف» معادل محفوظ برای واژه affect است. نمونه دیگر از نقض وحدت رویه در کتاب، عبارات «میانگین طول گفته» و «واج‌نویسی» (همان: ۱۴۴) است که به ترتیب برای ترجمه mean length of utterance و transcript قرار داده شده‌اند، در حالی که در فصل‌های دیگر و نیز در واژه‌نامه انتهای کتاب، برای این اصطلاحات به ترتیب از معادل‌های «میانگین طول پاره گفتار» و «ترانویسی» استفاده شده است. در نهایت، به عبارت «بین-بخشی» (همان: ۱۵۵) برمی‌خوریم که ترجمه واژه cross-sectional قرار داده شده است و به مطالعاتی اشاره می‌کند که در نقطه مقابل مطالعات طولی (longitudinal) هستند. معادل جافتاده‌تر برای cross-sectional واژه «مقطعی» است. در مطالعات مقطعی، به جای مطالعه یک نمونه در طول زمان رشد (مثلاً، فراگیری زبان در دو، سه، و چهارسالگی کودکان)، نمونه‌های گوناگونی از مقطع‌های زمانی مدنظر (مثلاً، کودکان دو، سه، و چهارساله) را انتخاب و هم‌زمان مطالعه می‌کنند.

نویسنده در فصل پنجم کتاب ارتباط بین رابط‌های گفتمانی و قابلیت‌های نظریه ذهن را بررسی می‌کند. او استدلال می‌کند که به‌کارگیری رابط‌ها در حوزه معرفتی به توانایی‌های نظریه ذهن نیازمند است. در این فصل، سه رابط گفتمانی در زبان فرانسه و حوزه‌های کاربرد آن بررسی شده است. این رابط‌ها عبارت‌اند: از *car* و *puisque*، *parce que* که برای بیان رابطه علی به‌کار می‌روند و در زبان انگلیسی، به‌ترتیب به‌معنای *because*، *since* و *for* هستند (معانی انگلیسی تقریبی است). نویسنده، برای تعیین حوزه‌های کاربرد رابط‌های گفتمانی، از مدل سه‌بخشی سوئیتر استفاده کرده است که شامل حوزه محتوا، کارگفت، و معرفتی می‌شود. ابتدا، مثال‌های گوناگونی از زبان انگلیسی برای روشن کردن کاربردهای سه‌گانه رابط‌های گفتمانی ارائه و سپس به رابط‌های زبان فرانسه پرداخته شده است. در انتهای فصل، فرضیاتی درباره پیچیدگی این رابط‌ها و ترتیب فراگیری آن‌ها مطرح شده است. نثر روان کتاب در فصل پنجم نیز تداوم دارد. باین‌حال، مواردی در ترجمه مشاهده شد که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم. یکی از خطاهای ترجمه‌ای که مشاهده می‌شود، مربوط به واژه *the Dean* است که به‌صورت اسم خاص و به «دین» (همان: ۱۶۸، مثال ۴.ب) ترجمه شده است، درحالی‌که این واژه به‌معنای «رئیس دانشکده» است. مورد دیگر از یک‌دست‌نبودن معادل‌ها در این فصل استفاده از عبارت «کودکان مبتلا به اوتیسم» (همان: ۱۸۶) برای عبارت *autistic children* است. این در حالی است که در فصل‌های دیگر شاهد به‌کارگیری معادل «کودکان اُتِستیک» برای این عبارت بودیم. مورد دیگر در این فصل عبارات «حرف ربط وابستگی» و «حرف ربط هم‌پایگی» است که به‌ترتیب معادل *subordinating conjunction* و *coordinating conjunction* قرار داده شده‌اند. با توجه به معنای فاعلی در واژه‌های *subordinating* و *coordinating*، معادل دقیق‌تر برای این عبارات «حرف ربط وابسته‌ساز» و «حرف ربط هم‌پایه‌ساز» است. درنهایت، یک مورد خطای دستوری مشاهده می‌شود. در کتاب می‌خوانیم: «با وجود این، حتی اگر یک گویشوران نیز این مثال‌ها را پذیرفتی دانسته بودند...» (همان: ۱۹۰). با توجه به متن کتاب اصلی، واژه «یک» در این جمله اضافی است.

فصل ششم کتاب به مطالعه تجربی رابط گفتمانی *parc que* در زبان فرانسه می‌پردازد که پیش‌تر در فصل پنجم، پیش‌بینی‌های نظری درباره حوزه کاربرد و ترتیب فراگیری این رابط و رابط *puisque* ارائه شده بود. مؤلف در فصل ششم، چند پژوهش تجربی درباره فراگیری حوزه‌های کاربرد رابط *parc que* را مرور می‌کند و نتیجه می‌گیرد نتایج این تحقیقات به‌دلیل تفاوت‌های روش‌شناختی، هم‌سویی ندارند. مثلاً، پیش‌بینی‌های مطالعات گوناگون درباره

ترتیب فراگیری حوزه‌های این پیوند متفاوت است یا سن دقیق فراگیری کاربردهای معرفتی آن دقیقاً مشخص نیست. پس از ذکر کاستی‌های پژوهش‌های پیشین، مؤلف پژوهش پیکره‌بنیاد خود را درباره فراگیری *parc que* و ارتباط آن با قابلیت‌های نظریه ذهن ارائه می‌دهد. نتایجی که او به دست می‌آورد، حاکی از تأیید برخی یافته‌های پژوهش‌های پیشین است. مثلاً، این که رابط‌های حوزه معرفتی بعد از دیگر حوزه‌ها و حوالی سه‌سالگی فراگرفته می‌شوند. هم‌چنین، نتایج نشان می‌دهد بین زمان شروع استفاده از کاربردهای معرفتی *parc que* و افعال حالت ذهنی هم‌بستگی بالایی وجود دارد. برخلاف رابط گفتمانی *parc que* در زبان فرانسه که در هر سه حوزه محتوایی، کارگفتی، و معرفتی کاربردهای متوازی دارد، رابط *puisque* با حوزه معرفتی ارتباط ویژه‌ای دارد. این در حالی است که به گفته نویسنده، هیچ پژوهشی به فراگیری رابط *puisque* پرداخته است.

در فصل هفتم نیز مؤلف پژوهشی پیکره‌ای را ارائه می‌کند تا زمان آغاز تولید این رابط را در کودکان دریابد. یافته‌های او نشان می‌دهد کودکان تا پیش از چهارسالگی این رابط را فرامی‌گیرند. هم‌چنین، در این فصل، رابطه فراگیری کاربردهای کنایه‌آمیز *puisque* و توانایی‌های نظریه ذهن با استفاده از نوعی آزمایش درکی تأیید شد. نتایج نشان داد در هفت‌سالگی بین درک معنای کنایه‌آمیز *puisque* و توانایی در آزمون‌های مرتبه دوم نظریه ذهن هم‌بستگی وجود دارد. در این باره، جمله‌ای در این فصل مشاهده می‌شود که ممکن است خواننده را به اشتباه بیندازد.

It was notably shown that by the age of seven, the ability to understand an ironic utterance with *puisque* was positively correlated with the ability to pass second-order theory of mind tests.

این نکته نشان داده شد که تا هفت‌سالگی، توانایی درک پاره‌گفتار کنایه‌آمیز دارای *puisque* هم‌بستگی مثبتی با توانایی موفقیت در آزمون‌های نظریه ذهن مرتبه دوم داشت. (همان: ۲۷۳)

خواندن جمله یادشده ممکن است به خواننده القا کند که هم‌بستگی اشاره‌شده تا هفت‌سالگی در کودکان وجود دارد و پس از آن وجود ندارد. عامل این خوانش گمراه‌کننده در جمله مذکور معنای حدی حرف اضافه «تا» در عبارت «تا هفت‌سالگی» است که برای ترجمه عبارت *by the age of seven* در متن اصلی در نظر گرفته شده است. براساس متن اصلی، می‌شد این مطلب را چنین بیان کرد که تا زمانی که کودک به هفت‌سالگی برسد، بین

توانایی درک پاره‌گفتار کنایه‌آمیز دارای *puisque* و موفقیت در آزمون‌های نظریه ذهن مرتبه دوم، هم‌بستگی مثبت به وجود آمده است. این بدان معناست که تا اندکی پیش از هفت‌سالگی این هم‌بستگی مشاهده نمی‌شود.

در انتهای کتاب، مؤلف جمع‌بندی خود را از فصول کتاب در قالب نتیجه‌گیری بیان کرده است. پس از این بخش، کتاب‌نامه ارائه شده است و پس از آن، واژه‌نامه‌های فارسی-انگلیسی، انگلیسی-فارسی، و نمایه قرار دارند. مهم‌ترین نکته‌ای که در واژه‌نامه مشاهده می‌شود، هم‌خوانی نداشتن برخی معادل‌های آن با معادل‌هایی است که در متن استفاده شده‌اند و در طول این مقاله به بعضی از آن‌ها اشاره شد. برای مثال، به واژه *attitude* اشاره شد که در واژه‌نامه به «نگرش» ترجمه شده، اما داخل متن غیر از «نگرش» به «احساس» و «گرایش» هم ترجمه شده است. در نمونه دیگر، می‌توان به واژه‌های «انسجام» و «پیوستگی» اشاره کرد که در واژه‌نامه به ترتیب معادلی برای *cohesion* و *coherence* قرار گرفته‌اند، اما عبارت *weak central coherence* به «انسجام مرکزی ضعیف» ترجمه شده است.

۵. نتیجه‌گیری

نظریه ذهن مفهومی مهم و کلیدی در روان‌شناسی است که در سال‌های گذشته در حوزه مطالعات زبان‌شناختی نیز توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است. این‌که این قابلیت شناختی در چه سنی در انسان پدید می‌آید و ارتباط آن با پیدایش برخی عناصر زبانی مرتبط با این قابلیت چیست، از جمله پرسش‌هایی‌اند که در این‌باره مطرح می‌شوند. کتاب *کاربردشناسی واژگانی و نظریه ذهن در معرفی مفهوم نظریه ذهن برای محققان زبان‌شناسی و هم‌چنین در تبیین ارتباط آن با عناصر متناظر زبان‌شناختی نظیر ساختارهای درونه‌گیری در نحو، افعال و جبهی و ذهنی، و نیز رابط‌های گفتمانی گام مهمی برداشته است. نویسنده کتاب از فصل اول، بستر نظری لازم برای ارتباط زبان و نظریه ذهن را پی می‌ریزد و گام‌به‌گام تا پایان فصل آخر، پیش‌بینی‌های نظری خود را بررسی و اعتبارسنجی می‌کند. کتاب، علاوه بر راستی‌آزمایی پیش‌بینی‌های نظری در کودکان عادی، گوشه‌چشمی نیز به داده‌های کودکان مبتلا به اوتیسم دارد، زیرا در این گروه قابلیت‌های نظریه ذهن اختلال دارند. مطالب این کتاب با رشته‌های زبان‌شناسی و روان‌شناسی ارتباط مستقیمی دارد و به‌ویژه برای پژوهش‌گران زبان‌شناسی که به مطالعه زبان و ذهن رویکردهای میان‌رشته‌ای دارند، بسیار سودمند است.*

ترجمه کتاب کاربردشناسی واژگانی و نظریه ذهن یکی از ترجمه‌های موفق در حوزه مطالعات زبان و ذهن است. نثر ترجمه در کلیت آن بسیار روان، قابل فهم، و شیواست. از دیگر نقاط قوت این کتاب، رعایت خوب اصول ویرایشی در سراسر کتاب است. هم‌چنین، طرح روی جلد کتاب تصویری خلاقانه و استعاری دارد که دو مفهوم رابط و فراگیری آن در کودکان را به خوبی می‌رساند. مزیت دیگری که در سراسر کتاب دیده می‌شود، درج اصطلاحات تخصصی و اسامی خاص در پانویشت کتاب است که موجب شده است خواننده به راحتی به اصطلاحات، معادل‌ها، و اسامی خاص کتاب دسترسی داشته باشد. با وجود مزیت‌هایی که این کتاب دارد، برخی کاستی‌های صوری و محتوایی در آن مشاهده شد. به لحاظ صوری و کیفیت صحافی و چاپ کتاب عمدتاً به دلیل مفقودبودن تعدادی صفحات و یک‌دست نبودن کیفیت جوهر ضعیف ارزیابی شد. هم‌چنین، مواردی از خطاهای املائی، ویراستاری، و نیز اشکالاتی در صفحه‌آرایی مشاهده شد. به لحاظ محتوایی، مهم‌ترین کاستی کتاب یک‌دست نبودن برخی معادل‌های به کاررفته است که به برخی از مهم‌ترین نمونه‌های آن اشاره شد. با توجه به این که کتاب به صورت گروهی ترجمه شده است، در بخش پیش‌گفتار مترجمان به این نکته اشاره شده است که معادل‌ها پس از ترجمه کتاب یک‌دست‌سازی شده‌اند، اما به نظر می‌رسد این هدف به طور کامل محقق نشده است. از دیگر موارد محتوایی که مشاهده شد، وجود اشکالاتی در ترجمه برخی اصطلاحات و جملات بود که پیش‌نهادهایی برای جای‌گزینی با معادل‌های دقیق‌تر و بازنگری ساختار جملات ارائه شد. بی‌گمان، کاستی‌هایی که اشاره شد، از ارزش ترجمه روان و خوش‌خوان این کتاب نمی‌کاهد و در صورت رفع این اشکالات در چاپ‌های بعدی، کتاب از همه‌نظر بی‌عیب و نقص خواهد بود. سخن آخر این که با توجه به کمبود منابع فارسی در حوزه زبان‌شناسی آزمایشگاهی و تجربی، این کتاب منبع ارزش‌مندی برای کاربرست ایده‌های آن در زبان فارسی و دیگر زبان‌های ایران است.

کتاب‌نامه

- زوفری، سندرین (۱۳۹۸)، کاربردشناسی واژگانی و نظریه ذهن: فراگیری پیوندها، ترجمه محمدحسن ترابی، شهره صادقی، و الهه کمری، تهران: نویسه پارس.
- فرهنگ بزرگ سخن (۱۳۸۱)، به سرپرستی دکتر حسن انوری، تهران: سخن.

- Blutner, R. (1998), "Lexical Pragmatics", *Journal of Semantics*, vol. 15, no. 2.
- Byom, L. J. and B. Mutlu (2013), "Theory of Mind: Mechanisms, Methods, and New Directions", *Frontiers in Human Neuroscience*, vol. 15:
<<https://doi.org/10.3389/fnhum.2013.00413>>.
- Fonagy P. and E. Allison (2012), "What Is Mentalization? The Concept and Its Foundations in Developmental Research", in: *Minding the Child: Mentalization-Based Interventions With Children, Young People and Their Families*, N. Midgley and I. Vrouva (eds.), New York: Routledge, Taylor & Francis Group.
- Frith, C. and U. Frith (2005), "Theory of Mind", *Current Biology*, vol. 15, no. 17.
- Gillioz, C. and S. Zufferey (2020), *Introduction to Experimental Linguistics*, New York: Wiley.
- Halliday, M. A. K. and R. Hasan (1976), *Cohesion in English*, London: Longman.
- Kimbi, Y. (2014), "Theory of Mind Abilities and Deficits in Autism Spectrum Disorders" *Top Lang Disorders*, vol. 34, no. 4.
- Merriam-Webster (n.d.): <<https://www.merriam-webster.com/dictionary/connective>>.
- Zufferey, S. (2010), *Lexical Pragmatics and Theory of Mind: The Acquisition of Connectives*, Amsterdam: John Benjamins.
- Zufferey, S. (2014), *Acquiring Pragmatics*, New York: Routledge.
- Zufferey, S. (2020), *Introduction to Corpus Linguistics*, New York: Wiley.
- Zufferey, S., J. Moeschler, and A. Reboul (2019), *Implicatures*, Cambridge: Cambridge University Press.